

دانلود جزوه کامل حقوق مدنی 4

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

## نمونه متن جزوه:

در نهایت، اصل بر این است که شخص، مستحق اجرت است مگر اینکه قصد تبرع داشته باشد. یعنی اگر طرفین به اختلاف بخورند و پیش قاضی بروند، قاضی اصل را بر این میگذارد که الزاما به شخص باید اجرت داده شود. اگر طرف مدعی این باشد که نباید اجرتی پرداخت بکند، طبق قاعده "البینتُ علی المدعی" باید در مقابل دادگاه ادعایش را ثابت بکند.

اما ماده، یک تبصره دارد که این تبصره در سال به این ماده اضافه شده: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به عهده وی نبوده و عرفا برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده است و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید.

در این تبصره، چند نکته وجود دارد: - این تبصره، یکی از مصادیق همین ماده است. یعنی حتی اگر این تبصره هم وجود نداشت، اگر زوجه ثابت میکرد، به استناد ماده میتوانست اجرت را بگیرد.

- در اعمال این تبصره، درخواست زوج به منزله دستور است و شوهر حق ندارد برای انجام کارهایی که شرعا و قانونا بر عهده زن نیست، به او دستور بدهد.

- گفتیم که اصل بر عدم تبرع است. پس زن در این خصوص به دلیل نیازی ندارد و اثبات تبرع، بر عهده شوهر است. همین که زن اثبات بکند که کارهایی را انجام داده، مستحق اجرت است، مگر اینکه با عرف، وجود یک اماره قضایی بر قصد تبرع زن احراز شود که در اینصورت اثبات عدم تبرع بر عهده زن خواهد بود.

بنظر میرسد که اصلا نیازی به قید عبارت "و برای دادگاه نیز ثابت شود" در تبصره نیست؛ چون مسلم و بدیهی است که هر امری باید برای دادگاه ثابت بشود. اصلا نمیشود بدون اثبات چیزی در دادگاه، به آن حکم داد.

استیفاء از مال غیر: موضوع ماده ق.م

شرایط تحقق:

- باید شخصی، از مال دیگری استیفاء منفعت کند. مثلا از خانه یا ماشین یا محل کسب دیگری استفاده بکند.

- استیفاء منفعت، باید برحسب اذن صریح یا ضمنی مالک باشد. یعنی مالک باید اجازه ی استفاده را داده باشد و اگر اذنی نباشد، بحث استیفاء کلا منتفی میشود. مثلا یک موقعی ماشین نیازی به تعمیر ندارد ولی صاحبش آن را به تعمیرکار میدهد.

در این فرض، شخص، اذن ضمنی یعنی غیرمستقیم و غیر صریح میدهد برای استفاده توسط تعمیرکار.

- اجرت نباید قبلا تعیین شده باشد. چون اگر تعیین شده باشد از بحث استیفاء و الزامات خارج از قرارداد خارج میشود و بحث قراردادها مطرح میشود.

هروقت استیفاء منفعت با این شرایط تحقق پیدا کند، صاحب مال مستحق اجرت المثل است. مگر اینکه معلوم شود که اذن دهنده قصد تبرع داشته و اذن انتفاع مجانی بوده.

برخی معتقدند که استیفاء از عمل یا مال غیر، باتوجه به شرایطی که گفته شد، طبق مواد و ق.م عقد است، چون اینکار با تراضی طرفین صورت میگیرد.

به همین علت، به نظر میرسد اگر اجرت بر خورداری از عمل یا مال معلوم نباشد، ما نمیتوانیم استیفاء را قرارداد بدانیم، چون باید در قرارداد، موضوع و اجرت و ... معلوم باشد وگرنه قرارداد باطل است. پس مصداق بارز الزامات خارج از قرارداد خواهد شد.

استفاده بلاجهت :

استفاده بلاجهت در دو معنی به کار میرود : - استفاده بلاجهت به معنای عام - استفاده بلاجهت به معنای خاص.

در معنای عام، استفاده بلاجهت شامل ایفای ناروا، اداره مال غیر و استیفای از مال یا عمل غیر و همچنین استفاده بلاجهت به معنای خاص است.

اما اینکه استفاده بلاجهت به معنای خاص، در حقوق ایران وجود دارد یا نه، منشاء اختلاف بین حقوقدان ها و فقهای مختلف است.

اختلاف در اینجا است که در حقوق فرانسه، استفاده بلاجهت وجود دارد و یکی از منابع حقوق مدون ما، حقوق فرانسه هم هست .

در حقوق فرانسه، استفاده بلاجهت دارای شرط است : - دارا شدن؛ که ممکن است بصورت افزایش اموال شخصی و یا بصورت کاهش بدهی و هزینه های او باشد.

- این دارا شدن باید به ضرر دیگری باشد و به همین دلیل کاهش دارایی دیگری نیز جزو شرایط این دعوی به شمار می آید.

- میان دارا شدن یعنی افزایش سرمایه و کاهش دارایی دیگری رابطه ای باشد تا بتوان گفت دارا شدن به زیان دیگری است.

- فقدان سبب برای دارا شدن؛ یعنی سبب مشروعی برای دارا شدن نباید باشد. چون اگر کوچکترین سببی وجود داشته باشد، دیگر بلاجهت نیست و جهت دار میشود

- دارا شدن به سبب منفعت شخصی خواهان نباشد.

- حق دعوای دیگری برای خواهان وجود نداشته باشد.

در حقوق ایران، استفاده بلاجهت به عنوان یک منبع مستقل مورد پذیرش قرار نگرفته. برخی از حقوقدان ها و فقها به آیاتی از قرآن اشاره کردند که اموال یکدیگر را به باطل مخورید مگر اینکه به تراضی. / تصرف در مال دیگری بدون اذن مالک جایز نیست و یک سبب شرعی برای دارا شدن باید وجود داشته باشد.

به همین واسطه، برخی از حقوقدان ها معتقدند که استفاده بلاجهت وجود دارد و برخی دیگر میگویند که استفاده بلاجهت بسیار محدود شناسایی شده و نمیتوانیم آن را به عنوان یک منبع مستقل در نظر بگیریم.

در قوانین ایران هم مواردی وجود دارد که نشانگر منع استفاده بلاجهت به معنای خاص هست و بالعکس؛ نشانگر تایید استفاده بلاجهت به معنای خاص قرار گرفته .

پس ما نمیتوانیم بگوییم که آیا در حقوق ایران استفاده بلاجهت % مورد پذیرش قرار گرفته یا اینکه رد شده است.

اما باید دقت بکنیم، استفاده بلاجهتی که در حقوق فرانسه به رسمیت شناخته شده، بخاطر پر کردن یکسری خلاءهایی است که در نظام حقوقی فرانسه وجود دارد و باید دقت بشود که آیا این خلاءها در حقوق ایران هم متصور هست یا خیر.

در نظام حقوقی ایران، منابعی داریم که در حقوق فرانسه این منابع وجود ندارند. مثل غصب، استیفا از مال یا عمل غیر .

پس میشود اینطور نتیجه گرفت که به واسطه ی وجود غصب و استیفاء، نیازی به استفاده ی بلاجهت به معنای خاص در حقوق ایران احساس نمیشود و این یک دعوای فرعی است. یعنی وقتی میتوانیم به جهات دیگر، حقان را بگیریم، به استفاده بلاجهت مراجعه نمیکنیم.

اما استفاده بلاجهت به معنای عام، یک قاعده ی اخلاقی در شکل گیری و نقد نهادهای حقوقی، همیشه مورد توجه قرار گرفته.

قواعد عمومی مسئولیت مدنی به معنای خاص اتلاف و تسبیب :

مسئولیت مدنی : مسئولیت مدنی در دو معنی عام و خاص به کار میرود.

مسئولیت مدنی در معنای عام را، مترادف با ضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد دانستیم.

مسئولیت مدنی در معنای خاص یعنی تکلیف شخص به جبران زیانی که بر اثر عمل نامشروع بجر غصب به دیگری وارد شده.